

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

۰۵ اکتوبر، ۲۰۲۶

پوهاند عبدالحی حبیبی

یونانیان باختري



يکي از وقايع مهمي که در تاريخ کشور ما اهميت فراوان داشته و مولد اثرهاي گوناگون در فکر و زندگاني و آرت و صنعت و ادب و سياست گرديده است ظهور يونانيان و آمدن اسکندر باين سرزمين است که مجاري تفکر و هنر و حيات مردم را دو نيم هزار سال قبل ازين در افغانستان تغيير داده است.

اسکندر در زمان حيات خود هنگاميکه باختر را گرفت آرته بازيوس پارسي را حکمران اين سرزمين مقرر داشت. وي بعد از مدت کوتاهي در گذشت و آمين تاس پسر نيكولاوس يکي از رجال دربار اسکندر جاي او را گرفت اما بعد از مرگ اسکندر بقول آريان حکمراني باختر و سغدر استاسانور قبرسي داشت و چون سيليوکوس يکي از بازماندگان يوناني اسکندر در هند با چنډره گوپته در سال ۳۰۳ م صلح کرد، حکمران باختر هم به او اطاعت نمود، و هنگاميکه سيليو گوس به بابل برگشت باختر تا مدت ۵۰ سال در تحت تسلط خاندانش ماند، چنانچه مسکوکات فراوانش در باختر و بخارا کشف شده و هم او مردم بومي باختر را در لشکر خود گرفته بود.

در عصر پادشاه سوم خاندان سیلیوکي که انتیوکوس دوم ندامداشت، حکمرانان اطراف از مشغولی او به جنگهای مصر استفاده کرده و از اطاعتش بر آمدند و ازان جمله مردم باختر با یونانیانی که درین سرزمین با آداب و فرهنگ باختری آشنا گردیده بودند همدست شدند و اعلان استقلال دادند.

درین وقت در باختر دیو دوتوس حکمرانی داشت و او در حدود ۲۵۶ ق . م به مدد باختریان آزادیخواه اعلان شاهی مستقلی را در باختر داد، و حدود سلطنت او تا سغد و مرو و سلسله کوه هندوکش میرسید و چون او باختریان را از تسلط دیگران نجات داده و حکومت آزاد داخلی را تشکیل کرده بود، بنا برین لقب "منجی" یافت.

از دیودوتوس سکه یی در دست است که بر یکطرف آن چهره انتیو کوس دوم و بر روی دیگر آن رب النوع زیوس حامی خاندانش باد و بال نقش است، و ازیں بر می آید که وی پیش از اعلان استقلال باختر، سکه سیمین را بنام انتیوکوس سیلیوکی نشر داده و بعد از استقلال خود در دارالضرب باختر مسکوک طلایی را بحیث پادشاه زده است. این مسکوک طلایی که در پاریس است، بر يك روی خود چهره دیودوتوس و بر روی دیگر برهنه جویپتر (رب النوع رومی آسمان و صاعقه و رعد و برق) دارد که يك عقاب مهم پیش پای او منقوش و بر حاشیه سکه بازلیلیوز دیودوتوس نوشته شده، یعنی شاه دیودوتوس.

از دودمان دیودوتوس اول فقط يك پسر او بنام دیودوتوس دوم بعد از گذشت پدر در باختر از حدود ۲۵۰ تا ۲۳۰ ق. م حکم رانده، که وی با دولت پارت برخلاف سلطه سیلیوکیدهای شاهی هم آهنگی و روابط خوبی داشت، و چون ارساس مؤسس دولت پارت هم از مردم باختر بود، دیودوتوس دوم با او روابط حسنه و پیمان دوستی داشته است و در عصر شاهی او وادی هریرود و شهر هرات نیز در قلمرو باختر شامل گردید و به سغدیانه نیز از طرف باختر حکمرانی فرستاده شد.

اما شاهی دودمان دیودوتوس اولی دیری دوام نکرد و یکی از امرای دیودوتوس دوم که ایوتیدیموس نامداشت و حکمران سغدیانه بود شورش کرد و پادشاه باختر را کشت و خود وی بحیث پادشاه مستقل باختر شناخته شد. (حدود ۲۲۰ ق . م)

در عصر رایوتیدیموس باختری پادشاه یونانی شام انتیوکوس سوم از طرف غرب بر دولت پارت حمله آورد و تیری دادشاه پارتی را مغلوب ساخت و در حدود ۲۰۸ ق. م بسوی باختر روی آورد، ازیں طرف ایوتیدیموس با ده هزار سوار باختری بر کنار رود اریوس (هریرود) با او در آویخت و چون توان مقاومت نداشت به باختر پس آمد و در شهر زریاسپ پایتخت باختر تا دو سال در محاصره ماند که موقع این شهر را بین مرو و اندخوی شمرده اند.

انتیوکوس درین مدت در نگیانه و اراکوزیه را هم کشود، ولی چون زیریاسپ را کشوده نتوانست و طرفین خسته شده بودند، هنگامیکه دریمتریوس شهزاده باختر برای مذاکرات صلح نزد او آمد، دختر خود را بدو داد و بعد از مصالحه از راه کابل و اراکوزیه به سمت غرب و قلمرو سلطنت خود شتافت (۲۰۵ ق . م).

ایوتیدیموس بعد ازین بتوحید اداره مملکت کوشید، و حکمران وادی کابل (سوفازگازنوس) را مطیع گردانید و از طرف شمال تامورای پامیر و ختن پیش رفت و در غرب مرو رود و هرات و طوس را کشود و پسر خود انتی مارکوس را حکمران آن گردانید و جنوباً تا اراکوزیه درنگیانه یعنی تمام خاک آریانه در قلمرو شاهی او آمد و پسر دیگرش دیمتریوس حکمران این ولایت بود که تمام این مملکت وسیع باصطلاح جغرافیون یونانی هزار شهر داشت و درین عصر روابط فرهنگی و تجارتی دولت یونانیان باختری با هند و چین غربی برقرار بود و ایوتیدیموس اولین شاهی است که در عصر او هنرمندان و صنعت کاران باختری هنر و صنعت اینجا را به هند ارمغان بردند و بقول راولنسون از یک کتیبه خروشتی پیداست که هنروران یونانی باختری درین عصر بهند رفته و تاثیر هنری خود را در آثار هنرمند نفوذ داده اند. و دوره شاهی ایوتیدیموس باختری را از ۲۲۰ تا ۱۹۰ ق، م شمرده اند که پس از درگذشت او پسرش دیمتریوس در ۱۹۰ ق، م بشاهی رسید و او بعد از فتح تکسیلا در خاک هند تا سواحل گجرات و کاتیا وارد پایتخت موریاپتنه پیش رفت، که این فتوحاتش در نتیجه فعالیت دو جنرال بزرگ او اپلودوتوس و میناندر صورت گرفت، میناندر از یونانیان یا اوپامیزادی بود که در شهر هوپیان دامنه خواجه سیاران شمالی کابل تولد یافته و اولادش تا حدود ۱۰۰ ق م در هند شاهی داشته اند.

دیمتریوس در حدود ۱۷۵ ق م از فتوحات هند به باختر باز گشت و پانتالئون پسر سوم خود را به حکمرانی اراکوزی و سیستان گماشت و دیمتریوس دوم پسر دیگرش حکمران باختر بود، چون پانتالئون حکمدار اراکوزی در گذشت، جای او را برادر چهارمش اگاتوکلیس گرفت.

دیمتریوس در اواخر عمر در هند با نیروی لشکری خویش مشغول ماند، و در همین عصر شخصی از یونانیان باختر که ابوکراتیدس نامداشت در سال ۱۸۱ ق م در باختر برخاست و اعلان شاهی داد و سکه زد که بران خود را بازیلپوزمیگالیوس (پادشاه بزرگ - مهاراجه هندی) خواند. و چون دیمتریوس برای بازیابی تاج و تخت خویش کوشید، بجایی نرسید و در گذشت و ابوکراتیدس سلسله سوم شاهان یونانی را در باختر بنیاد نهاد.

دیمتریوس و جانشینان او سکه های فراوان در سرتاسر قلمرو خود زده اند و همین پادشاه شهرهای دیمتریاس اراکوزی (کلات) ایوتیدیمیا (سیالکوت) دیمتریاس سند (تیسپاله) و ته اوفیلیا (در دلتای سند) را بنا نهاده که شهر دوم بنام پدر او و شهر چهارم بنام مادرش تسمیه شده است.

اما هنگامیکه ایوکرآتیدس بر دیمتریوس چیره آمد مناندر حکمران سرزمینهای شرقی آریانه با او سر مقابلت داشت و تا سال ۱۸۶ ق م بین ایشان پیکارها رفت، تا که بالاخره ایوکرآتیدس موفق آمد و تمام خاک مملکت را بدست آورد ولی از طرف غرب مهرداد اول پادشاه پارت ایالات غربی کشور را گرفت و اختلافی که بین خاندان دیمتریوس و ایوکرآتیدس پدید آمده بود سلطنت باختر را ضعیف ساخت و در حوالی ۱۳۵ ق م مرکز آمی از شمال هندوکش به کاپیسا انتقال یافت و پسر ایوکرآتیدس هیلوکلیس که در حدود ۱۴۷ ق م بتخت شاهی رسیده بود آخرین پادشاه یونانی باختر شمرده میشود که بعد از ترك صفحات شمال هندوکش قلمرو شاهی خود را تا نهایت ولایت گندهارا یعنی تکسیلا و جیلم بسط داده بود.

بعد از هیلوکلیس ده نفر جانشینان او در کابل و گندهارا و پنجاب حکم رانده اند، که از آن جمله انتیال کیداس، آمین کیداس و هرمایوس در حوالی ۳۰ ق م آخرین پادشاه یونانی کابل مشهورتر اند. و علت سقوط شاهان یونانی باختر ظهور قبایل ساکاوسیتی است که این شاهی را در نصف اول قرن اول ق م خاتمه دادند و بدین ترتیب سلطه ایشان بعد از دو نیم صد سال بپایان رسید و درین مدت از عصر دیودوتس تا حدود ۱۰۰ ق م سی و شش پادشاه و یک ملکه از ایشان در افغانستان و هند حکم رانده و به بسط فرهنگ و هنر یونانی در آریانه و هند پرداخته اند که پرستش ارباب انواع و صنعت و افکار و فلسفه و زبان و رسم الخط و دیگر مظاهر فرهنگ یونانی درین مدت در سرتاسر خاک آریانه با عناصر فرهنگی محلی و بودایی مزج یافته و فرهنگ خاص یونان و باختر و گریکو بودیک را به وجود آورده است که نفوذ آن تا دوره اسلام دوام داشت و اکنون اگر دل زمین را در بقایای شهرهای کهنه و تپه های قدیمه بشگافیم آثار این صنعت را بشکل بتان و زیورها و ظروف و غیره فراوان می یابیم و همین هنر بت سازی گندهارا بود که بسبب زیبایی و دلکشی مصنوعات آن در ادب دری قدیم به تغیر "بت قندهارا" دخیل گشت و شاعران ماهر شکل زیبا و چهره دلکش را بت قندهار گفتند که از آن جمله است این بیت سنایی غزنوی :

تلخ گردد عیش شیرین بتان قندهار

چون بگاه بذله، زان لب لطف باری ای پسر

این بود مبداء پیدایش سلطنت و آرت و هنر یونانی در افغانستان که اکنون آثار آن بصورت یک شهر بزرگ در آی خانم تالقان کشف شده و کاوش آن از طرف باستان شناسان جاریست^(۱).

پایان

(۱) مجله پښتون پرغ، سال ۱۳۴۶ ش، شماره های ۶ و ۷.